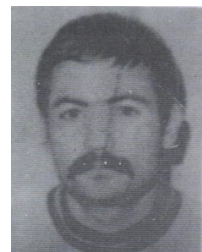


## رفیق احمد بیگدلو



رفیق احمد بیگدلو در یک خانواده زحمت کش به دنیا آمد. زندگی در محیط زحمت کشان، در سیما و شخصیت او نقش بسته بود، به طوری که از همان نگاه اول زندگی توأم با رنج و مرارت در رخسار او قابل باز شناسی بود. محرک های مبارزه جوئی آینده او نیز در همین محیط سرشته شد. رفیق بیگدلو در ضمن تحصیل علاقه زیادی به ادبیات و هنر و به ویژه ادبیات معاصر ایران پیدا کرد و با عطش سیری ناپذیری به مطالعه در این قلمرو پرداخت. علاقه به مطالعه و ژرفاندن آگاهی او را به محافل مطالعاتی اواخر دهه 40 وارد ساخت و در همین رابطه با رفیق عبدالحمید روشن فکر، که از بنیان اصلی یکی از محافل مبارز بود آشنا شد. در میان محفلی که رفیق بیگدلو از اعضای آن بود، گرایش به مبارزه مسلحانه شکل گرفت و به تدریج فعالین آن به تدارک عملی مبارزه مسلحانه پرداختند. در سال 50 این محفل از سوی ساواک رژیم ستم شاهی شناسائی شد و فعالین آن دستگیر و سپس به دادگاه های نمایشی شاه سپرده شدند. رفیق بیگدلو نیز همانند یار و هم سنگر مبارزش عبدالحمید روشن فکر در مواضع انقلابی خود استقامت ورزید و به 8 سال زندان محکوم شد.

دوران زندان، کوران آزمایش جدیدی برای رفیق احمد بیگدلو بود. او در کلیه حرکات زندان شرکت می جست و با علاقه و شور فراوان تحولات ایدئولوژیک درون مبارزه مسلحانه را در راستای دست یابی به یک مشی کمونیستی دنبال می نمود. رفیق بیگدلو همانند رفیق روشن فکر به انتقاد انقلابی از مشی مسلحانه در راستای خط کمونیستی پرداخت و بدین ترتیب در صف رفقائی قرار گرفت که پس از رهائی از زندان، سازمان ما را به وجود آوردند. در سخت ترین و سیاه ترین دوران سرکوب شاه و در شرایطی که زندان های سیاسی زیر مهمیز جلادان شاه قرار داشت، او با

سرودن اشعار انقلابی به ستایش از حماسه مقاومت می پرداخت و از همین رو در میان رفقاییش " شاعر" نامیده می شد. " شاعر" انسانی بی تکلف و صمیمی بود با قدرت ایجاد رابطه با دیگران و آمیختن با همگان.

پس از گشوده شدن درهای زندان، رفیق احمد بیگدلو به مبارزه بزرگ مردمی علیه رژیم در حال اضمحلال شاه پیوست و فعالانه در قیام بهمن شرکت جست. پس از به قدرت رسیدن رژیم ارتجاعی فقها، رفیق احمد بیگدلو در صفوف سازمان زیر شعار: " انقلاب مُرد، زنده باد انقلاب" نیروی سرشار خود را وقف انقلابی دیگر، انقلابی برای به تارک قدرت نشانیدن طبقه کارگر بر قدرت سیاسی ساخت. تمام سال های پس از قیام، رفیق بیگدلو در عرصه های گوناگون مبارزه، در لحظه های فراز و فرود، با نبض مبارزه و با نبض تحولات سازمان ما می طپید و هر آنچه را داشت بی دریغ در خدمت مبارزه سرخ خود می نهاد. رفیق بیگدلو در جریان سمت گیری کارگری سازمان ما، با توانائی بی نظیری خود را با برنامه نوین سازمان منطبق ساخت، زیرا او از میان کارگران و زحمت کشان برخاسته بود و خانه و کاشانه واقعی اش در میان آنها بود.

زندان رژیم فقها، آخرین رزمگاه رفیق بیگدلو بود. رزمندگی دوران نوجوانی، 7 سال زندان رژیم شاه و سالیان مبارزه پس از قیام، توشه پر باری برای رزم نهائی او آماده ساخته بود. شکوفه های سرخ به پیراهن سپید و بی تکلف " شاعر" ودیعه بهار آینده، بهار کارگران و زحمت کشان خواهد بود. او سرفرازانه به زمین افتاد تا زندگی را نثار راه سرخ و پیروز کارگران سازد. نامش را همچون سرودی شاعرانه ترنم بخش پیکارهای بزرگ آینده خواهیم ساخت.